

تألیف کتابی مستقل در این خصوص وجود دارد تا دانش پژوهان در محافل آکادمیک و همچنین نظریه پردازان و سیاست گذاران اقتصادی در بعد کلان بتوانند از نتایج آن بهره مند شوند. کتاب مزبور می تواند به عنوان «کتاب درسی» برای دروس «اقتصاد بین الملل» و رشته های وابسته به تجارت بین الملل، مورد استفاده استادان و دانشجویان دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد قرار گیرد. ضمن آنکه می تواند «کتاب مرجع» مناسبی برای مباحث «اقتصاد بین الملل» باشد.

در پایان لازم می دانم ضمن تقدیر و تشکر از همکاران محترم سازمان سمت به خصوص حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر سیدهادی عربی، سرکار خانم رضوان صادقیان و جناب آقای عبدالرضا حسنی ویراستار محترمی که زحمت ویرایش کتاب را به عهده داشتند و در آماده سازی به موقع کتاب از هیچ گونه سعی و تلاشی فروگذار نکردند، تقدیر و تشکر و سپاس گزاری نمایم.

دکتر علیرضا رحیمی بروجردی

دانشیار دانشکده اقتصاد - دانشگاه تهران

## پیشگفتار

کتاب همگرایی اقتصادی: ترتیبات تجاری منطقه ای و بازارهای مشترک در هشت فصل کلیات، دورنمایی از مبانی نظری ادغامهای اقتصادی و ترتیبات ترجیحی تجاری درون منطقه ای، جهانی سازی و آزادسازی تجارت، الگوسازی و مشاهدات کاربردی، بررسی الگوهای همگرایی، بررسی بازارهای مشترک نهادینه شده مرتبط در جهان، همگراییهای منطقه ای و ادغامهای اقتصادی، و جمع بندی و نتیجه گیری به بررسی موضوعات کلیدی نظری و کاربردی همگرایی از زوایا و ابعاد مختلف می پردازد. در واقع، هدف کتاب آشنایی پژوهشگر و سیاست گذار با مباحث مهم ادغام اقتصادی و تجارت درون منطقه ای از ابعاد نظری (که در عین حال به موضوعات کاربردی توجهی ویژه دارد) و تجربی (با نگاهی تحلیلی به سازمانها و همگراییهای اقتصادی و تجاری) است. مشاهدات و مطالعات نشان می دهند که اصل «تجارت آزاد» در مطالعات آکادمیک و فعالیتهای عینی کشورها جایگاه ویژه ای دارد، اما بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به دلایل متعدد هنوز نتوانسته اند از آن بهره برداری کامل نمایند و با محدودیتهای مختلف تجاری، روند فعالیتهای تجاری را مختل نموده اند. بنابراین، پرداختن به موضوعات مختلف ادغام اقتصادی به مثابه جانشینی قابل قبول برای تجارت آزاد، ضمن کاهش محدودیتهای تجاری (هرچند برای تعدادی از کشورها)، در صورت تفوق «ابداع تجاری» بر «انحراف تجاری»، به افزایش تولید جهانی، مبادلات بین المللی و نهایتاً رفاه کشورها منجر خواهد شد.

با توجه به اهمیتی که مباحث همگرایی در متون اقتصاد بین الملل از یک طرف و فعالیتهای اقتصادی و تجاری کشورها از طرف دیگر دارد، به طور جدّ نیاز به

ترتیبات تجاری ترجیحی به این نکته برمی‌خوریم که آنها ممکن است آثار معکوس داشته باشند. بنابراین، در بخش بعد، راههای به حداقل رساندن آثار معکوس ترتیبات تجاری منطقه‌ای و افزایش آثار مثبت آن بر توسعه اقتصادی مطرح شده است. در این فرایند چگونگی تأثیر ادغام اقتصادی بر توسعه اقتصادی و رفاه بررسی می‌شود. در پایان این فصل، به دو موضوع بسیار مهم اشاره می‌شود که عبارت‌اند از: «شرایط ادغام و تشکیل همگراییهای اقتصادی» و «مشکلات ادغام اقتصادی در کشورهای در حال توسعه». از آنجا که ادغامهای اقتصادی در بیشتر کشورهای در حال توسعه مشکلات عدیده‌ای دارند، مباحث فوق جایگاه ویژه‌ای خواهند داشت.

فصل سوم به مطالعه جهانی سازی و آزادسازی تجارت اختصاص دارد. شواهدی کلی وجود دارد که در سالهای اخیر، کشورهای در حال توسعه به شدت در حال تغییر بوده‌اند و این تغییرات احتمالاً در سالهای آتی تداوم خواهد یافت. در ادامه فصل دوم مبانی نظری ادغام اقتصادی مورد تفحص قرار گرفت، در فصل سوم از بعضی جنبه‌های جهانی سازی و آزادسازی تجارت با تمرکز ویژه بر موانع تجاری در زمینه یکپارچگی و ادغام اقتصادی بحث می‌شود چراکه اعتقاد بر این است که جهانی سازی همچون ادغام اقتصادی، احتمالاً قدرت دولتها را برای تحمیل آیین‌نامه‌ها و مقررات دست‌وپاگیر، کاهش می‌دهد. به همین مناسبت، ابتدا تعاریفی از جهانی سازی ارائه و سپس به حوزه و ابعاد فن‌شناختی آن توجه می‌شود. از آنجا که از طرفی فرایند توسعه مؤلفه‌های جهانی سازی با سهم دولتها در جهانی سازی رابطه مستقیم دارد و از طرف دیگر با تصمیمات دولتها آزادی تجارت در کالاها و خدمات و آزادی نظامهای ارزی و سرمایه گذاری و اجرای بهتر حقوق مالکیت، تقویت می‌شود، مطالعه سهم دولتها در پیشبرد جهانی سازی شایان توجه است. البته باید توجه داشت که یکی از دلایل مهم برای تمامی انواع ادغامهای اقتصادی و شیوع تفکر و ابزارهای جهانی سازی، تکیه بر این واقعیت است که بسیاری از کشورها، از مقادیر معتناهی از موانع تجاری نظیر تعرفه، سهمیه بندی و کنترلهای ارزی استفاده می‌کنند که باعث می‌شود منافع و رفاه آنها از تجارت، طی زمان کاهش یابد. به همین دلیل در بخش بعد معیارهای سیاست تجاری

## مقدمه

کتاب همگرایی اقتصادی: ترتیبات تجاری منطقه‌ای و بازارهای مشترک به بررسی موضوعاتی می‌پردازد که به اعتقاد نویسنده تاکنون به طور جامع و گسترده به زبان فارسی به آن توجه نشده است. کتاب با بررسی مبانی نظری «ادغام اقتصادی» به طور جامع، تحلیلی فراگیر از عملکرد بسیاری از سازمانهای اقتصادی و تجاری میان کشورهای جنوب- جنوب، شمال- جنوب و شمال- شمال به خواننده ارائه می‌دهد.

ساختار کتاب در هشت فصل به قرار ذیل طراحی شده است: پس از «کلیات»، که فصل نخست کتاب را تشکیل می‌دهد، در فصل دوم دورنمایی از مبانی نظری ادغامهای اقتصادی و ترتیبات ترجیحی تجاری درون منطقه‌ای ارائه خواهد شد. در این فصل ابتدا مبانی نظری ادغام اقتصادی از ابعاد مختلف و سپس رویکرد تجاری بر توسعه اقتصادی بررسی می‌شود که می‌تواند در قالب دو مقوله تأثیرات ثابت و تأثیرات پویا مورد بررسی قرار گیرد. پس از آن، تأثیرات ادغام اقتصادی بر توسعه اقتصادی اعضای اتحادیه در چهار مقوله زیر بررسی می‌شود: (۱) «تحلیل واینر» که بر تأثیرات رفاهی ترتیبات تجاری ترجیحی تأکید می‌کند و تعرفه کشورهای غیر عضو را دست‌نخورده باقی می‌گذارد. (۲) اجرای سیاست تفاوت هزینه‌های حمل و نقل در میان کشورهای عضو اتحادیه. (۳) اجرای قوانین مبدأ، و (۴) منافع غیرسنتی و پویا که شامل تضمین دسترسی به بازار، مصونیت از حمایت نامحسوس، پایبندی به اصطلاحات و حل مناقشات می‌شود. در بخش بعدی، کاهش تعرفه برای مقابله با انحراف تجاری مطالعه می‌شود و پس از آن ایجاد موانع مختلف تجاری که ممکن است کشورهای غیر عضو اتحادیه با آن روبه‌رو شوند، بررسی شده است. در بررسی

بررسی می‌شود. بخش بعد با عنوان «مفاهیمی برای نظام تجارت جهانی» به بررسی سه موضوع مرتبط می‌پردازد. رابطه میان گسترش ترتیبات تجاری منطقه‌ای و آزاد شدن تجارت جهانی، رابطه میان ایجاد ترتیبات تجاری منطقه‌ای و افزایش موانع تجاری علیه کشورهای غیر عضو و در نهایت موضوع کاهش تعرفه‌ها در مواد اولیه و داده‌ها از موضوعات مورد بررسی است. در بخش بعد «ادغام عمیق و ادغام سطحی» بررسی می‌شود. برخلاف آزادسازی چندجانبه، «ادغام عمیق» می‌تواند به تبیین «ترتیبات منطقه‌ای» کمک کند. به جای اینکه تحلیل را به «ادغام سطحی» که به معنای آزادسازی تجاری میان اعضاست، محدود کنیم، می‌توان از «ادغام عمیق» که به معنای هماهنگ نمودن سیاستهای اقتصادی و تجاری میان کشورهای مختلف است، استفاده کرد. آزادسازی تجاری فی‌نفسه موضوع پیچیده‌ای است در نتیجه آزادسازی تجاری منطقه‌ای و متعاقب آن، جهانی‌سازی، مشکل‌تر و پیچیدگیهای بیشتری دارد. تلاش سالهای اخیر برای ایجاد منطقه‌گرایی، مطمئناً تنها تجربه تاریخی نیست. از لحاظ تاریخی، ترتیبات تجاری منطقه‌ای در غرب، به قرن شانزدهم بر می‌گردد. از این رو، در آخرین بخش این فصل، مطالب مبسوطی پیرامون «پیمان تجاری منطقه‌ای، آزادسازی تجاری و جهانی‌سازی» آمده است.

در فصل چهارم کتاب (الگوسازی و مشاهدات کاربردی)، موارد مختلفی از الگوسازیهای همگرایی اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرند. الگوهای رسمی، الگوهای غیر رسمی و الگوی جاذبه بخشی از الگوهای مورد بررسی این فصل‌اند. در کنار الگوسازی به شواهد تجربی و مطالعات کاربردی پیرامون آثار ایستای ادغام اقتصادی یعنی ابداع تجاری و انحراف تجاری اشاراتی خواهیم داشت. در ادامه به الگوهایی خواهیم پرداخت که به موضوعات «نقش شرکتهای فراملیتی در گسترش ترتیبات تجاری ترجیحی»، «طبقه‌بندی گروههای منطقه‌ای»، «ادغام اقتصادی و نظام واردات» و «ادغام اقتصادی و درجه آزادی» دقت داشته‌اند.

فصل پنجم در حقیقت ادامه فصل چهارم در خصوص الگوهای همگرایی است. بیشتر نوشته‌ها در خصوص همگرایی در تجارت، به مسئله همگرایی در آمد یا نبود آن

میان کشورها پرداخته‌اند. اگر تجارت نقشی در روند همگرایی کشورها دارد، این روند مطمئناً در میان کشورهایی است که شرکای اصلی تجاری یکدیگرند. این فصل به طور کلی به بررسی الگوهای «همگرایی در آمد» اختصاص دارد. ممکن است که پژوهشگر در نگاه نخست به دنبال بررسی الگوهای ادغام اقتصادی باشد. از آنجا که الگوهای محدودی در این زمینه در متون اقتصاد بین‌الملل وجود دارد و ما به تعدادی از مهم‌ترین آنها در فصول مختلف این کتاب (به‌ویژه فصل چهارم) اشارات مبسوطی داشته‌ایم، گمان می‌رود که بررسی «الگوهای همگرایی در آمد» بتواند ابزار مناسبی برای تبیین «الگوهای ادغام اقتصادی» باشند و محققان بتوانند با شبیه‌سازی و یا تقلید این الگوها، الگوهای مناسبی برای تحقیقات کاربردی «ادغام اقتصادی» بسازند. در این فصل ابتدا «الگوی بن دیوید» و سپس همگرایی در آمد و درجه بازبودن تجارت بین‌الملل از زاویه دید الگوهای «گوا» و «همگرایی در آمد و برون‌ریزی دانش حاصل از تجارت» بررسی شده است. سپس به الگوهای «همگرایی فراگروهی و همگرایی دوجانبه» اشاراتی خواهیم داشت. در ادامه تأثیر درجه بازبودن تجارت روی سرعت همگرایی و پس از آن الگوی سرعت همگرایی «استومر و جایلز» بررسی می‌شود. «تحلیل رگرسیون برجسته»، «تقرب سری زمانی در همگرایی» و «آزادسازی تجاری و همگرایی در آمد سرانه» پایان‌بخش موضوعات فصل پنجم خواهند بود.

فصل ششم با عنوان «بررسی بازارهای مشترک نهادینه‌شده مرتبط در جهان»، شروع بررسی همگراییها و گروه‌بندیهای اقتصادی است. پس از بررسی تکامل تاریخی همگراییها که منطقه‌گرایی باز و نوآوریهای اخیر را دربر می‌گیرد، به قیود سازمان تجارت جهانی برای ترتیبات تجاری ترجیحی پرداخته شده است. در این بخش به مقررات چندجانبه و رابطه آنها با پیمان تجاری منطقه‌ای، سهم سازمان تجارت جهانی و گات در جهانی‌سازی و موضوع ادغام اقتصادی و بررسی مذاکرات «دور اروگوئه» پرداخته می‌شود. موافقتنامه نفتا را به طور مبسوط بررسی خواهیم کرد و در ادامه، الگوهای سرمایه‌گذاری و تجاری در منطقه آسیا - اقیانوسیه بررسی می‌شود. در این بخش به موضوعاتی از قبیل تأثیر پیمانهای تجاری منطقه‌ای بر اقتصادهای آسیا -

پاسیفیک (اقیانوسیه)، منطقه‌گرایی در آسیا-پاسیفیک (اقیانوسیه)، پیمان روابط اقتصادی نزدیک تر استرالیا، نیوزیلند (ANZ-CER)، گرایشات تجارت و سرمایه‌گذاری در آسیا - پاسیفیک، شرکای تجاری برای منطقه آسیا - پاسیفیک و گسترش شبکه‌های تولید در آسیا - پاسیفیک (اقیانوسیه) پرداخته شده است.

فصل هفتم با عنوان «همگراییهای منطقه‌ای و ادغامهای اقتصادی» ادامه فصل ششم محسوب می‌شود، با این تفاوت که گروه‌بندیهای تجاری و اقتصادی به طور مجزا بررسی شده‌اند. در این فصل گروه‌های آ. سه. آن، سازمان تجارت جهانی، آفتا، و آپک حاشیه اقیانوس هند و سپتا (SAPTA) و در ادامه توافقات شمال و جنوب در بیست و یک بخش مجزا آمده است که عبارت‌اند از: سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، ابتکار مدیترانه‌ای اتحادیه اروپا، موافقتنامه تجارت آزاد بلغارستان-آفتا، گروه‌بندیهای امریکای لاتین، سه موافقتنامه آزاد تجاری مکزیک: مکزیک - بولیوی، مکزیک - کاستاریکا و مکزیک - نیکاراگوئه، موافقتنامه تجارت آزاد میان مکزیک و اتحادیه اروپا، موافقتنامه تجارت آزاد کانادا-شیلی، بازار مشترک امریکای مرکزی، پیمان آندین (ANDEAN)، منطقه آزاد تجاری امریکای لاتین، بازار مشترک و جامعه کارائیب (کاریکوم)، بازار مشترک مخروط جنوبی (مرکوسور)، موافقتنامه آزاد تجاری لهستان و آفتا، موافقتنامه تجارت آزاد اسرائیل - کانادا، زیر صحرای افریقا، جامعه اقتصادی دولتهای افریقای غربی، جامعه اقتصادی افریقای غربی و اتحادیه اقتصادی و پولی افریقای غربی، اتحادیه اقتصادی و مالی افریقای مرکزی، انجمن اقتصادی دریافتهای و پرداختها، بازار مشترک افریقای شرقی و جنوبی (کومسا) و منطقه تجاری ترجیحی برای دولتهای افریقای شرقی و جنوبی، کنفرانس هماهنگ‌سازی توسعه در افریقای جنوبی و جامعه توسعه افریقای جنوبی، اتحادیه گمرکی افریقای جنوبی (ساگو)، ابتکار بین مرزی، توافقنامه تجاری دوجانبه در افریقای جنوبی، گروه‌بندیهای تجاری در آسیا، خاورمیانه و افریقای شمالی، شورای همکاری خلیج فارس و در نهایت سازمان همکاری اقتصادی (اكو).

فصل هشتم خلاصه‌ای از مطالب مطرح شده در کتاب را ارائه می‌کند.